



ولایت فقیه، بنیاد رهبری امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) به دلیل اینکه از ویژگی «عالم عادل» برخوردار بود، ولایت بر اداره جامعه داشت و رهبری جامعه را بر عهده گرفت.

الگوی رهبری امام (ره)/

ولایت فقیه، بنیاد رهبری امام خمینی (ره)

خبرگزاری مهر- حضرت امام خمینی (ره) به دلیل اینکه از ویژگی «عالم عادل» برخوردار بود، ولایت بر اداره جامعه داشت و رهبری جامعه را بر عهده گرفت. بنابراین، می توان گفت که بنیاد رهبری امام خمینی (ره) بر ولایت فقیه استوار است. اسلام دین حکومت و معنویت است و وظایف نبی اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در راستای تحقق این فرضیه تعریف می شود. در زمان غیبت امام عصر (ع)، فقهای عادل عهده دار مسئولیت حکومت و پاسخگویی به مسائل دینی هستند، از این رو، حق حاکمیت و رهبری دارند. چنان که پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) بر امت و جامعه اسلامی ولایت دارند، فقهای عادل نیز ولایت دارند. اصل داشتن ولایت از سوی فقیه در میان فقها و اندیشمندان اسلامی مورد اتفاق است، اگر چه در مراتب حق ولایت فقیه اختلاف نظر وجود دارد، بر اساس این رویکرد، «مرتبه کامل ولایت تشریعی از آن خداست و مرتبه ای دیگر از آن پیامبر و ائمه معصوم (ع) و در عصر غیبت، از آن فقیه عادل به حوادث و مسائل زمان و بصیر بر حل آنهاست».

با عنایت به ولایت فقیه بر امت اسلامی، تشکیل حکومت و رهبری جامعه از سوی فقیه، برای بیان احکام و مقررات اسلامی و اجرای آنها در عصر غیبت ضرورت دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: «به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما لازم است».

رهبر فقید انقلاب اسلامی با بیان ضرورت حکومت و مدیریت در زمان حاضر، بنیاد رهبری و مدیریت را ولایت فقیه فرض کرده و برای زمامدار یا رهبر، دو ویژگی قائل است که حاکمیت و مدیریت زمامدار و رهبر را تثبیت می کنند. ایشان می فرماید: «پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: 1- علم به قانون 2- عدالت.

علم به قانون، علم به مقررات و احکام اسلامی است و بالطبع، این دانش دینی برای رهبری و حاکم اسلامی ضرورت دارد از آنجا که فقیه این دانش را دارد، پس می تواند عالمانه رهبری کرده، حکومت را بر شالوده احکام و مقررات دینی پایه گذاری کند. امام خمینی (ره) می فرماید: «حاکم و خلیفه اولاً؛ باید احکام اسلام را بداند، یعنی قانوندان باشد و ثانیاً؛ عدالت داشته، از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد عقل همین اقتضا را دارد؛ زیرا حکومت اسلامی حکومت قانون است، نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم».

رهبر کبیر و فقید انقلاب اسلامی، فقیه را به دلیل داشتن دانش اسلامی لایق و شایسته رهبری جامعه دانسته، دیگران را به دلیل نداشتن این دانش، سزاوار و شایسته برای رهبری و مدیریت نمی داند و می فرماید: اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت (و مدیریت) نیست، چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می شود و اگر نکند نمی تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد و این مسلم است که «الفقهاء حکام علی السلاطین». سلاطین اگر تابع اسلام باشند باید به تبعیت فقها در آیند و قوانین و احکام را از فقها بپرسند و اجرا کنند. در این صورت، حکام حقیقی همان فقها هستند. پس بایستی حاکمیت رسمی به فقها تعلق بگیرد نه به کسانی که به علت جهل به قانون مجبورند از فقها تبعیت کنند.

از بیان امام (ره) استفاده می شود که دانشمند اسلامی می تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده گیرد و او دارای ولایتی است که رسول خدا (ص) در امر اداره جامعه بر امت داشت. امام (ره) در این زمینه می فرماید: اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت [عالم و عادل] باشد به پاخاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت، دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

با توجه به این مطالب می توان گفت که گستره ولایت فقیه در گفتار امام راحل وسیع بوده و در رویکرد ایشان رهبری بر جامعه بدون داشتن ولایت معنادار نیست. ایشان با توسعه دادن به قلمرو ولایت فقیه، دانشمند اسلامی را جانشین شایسته برای پیغمبر اکرم (ص) و امام معصوم دانسته و همه اختیارات حکومتی معصومان (ع) را برای وی ثابت می داند. چنان که می فرماید: «این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (ص) بیشتر از حضرت امیر (ع) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (ع) بیش از فقیه است، باطل و غلط است». از این رو همان اختیارات و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه (ع) در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرارداده، منتهی شخص معینی

نیست، روی عنوان« عالم عادل» است.

اکنون هر کسی بتواند در زمینه قوانین الهی، عنوان« عالم عادل» را بگیرد، می تواند رهبری جامعه را در اختیار گیرد. حضرت امام (ره) به دلیل اینکه از ویژگی«عالم عادل» برخوردار بود، ولایت بر اداره جامعه داشت و رهبری جامعه را بر عهده گرفت. بنابراین، می توان ادعا کرد که بنیاد رهبری امام خمینی(ره) بر ولایت فقیه استوار است.

ممکن است در اذهان ما این توهم ایجاد شود که چرا فقها از مزیت رهبری بر جامعه برخوردارند و دیگر اندیشمندان این وظیفه خطیر را ندارند؟ برای پاسخ به روایتی از پیامبر اکرم(ص) استناد می کنیم تا در یابیم که از نظر رسول خدا(ص) چه کسانی برای رهبری جامعه شایسته اند. این روایت را امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: خدایا جانشینان مرا رحمت کن- و این سخن را سه بار تکرار کرد-پرسیده شد که ای رسوا خدا، جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که پس از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند.

امام خمینی (ره) با استناد به این روایت، مدعی این مطلب است که منظور از خلفا در روایت، فقهای عادل هستند:« اما دلالت حدیث شریف بر ولایت فقیه نباید جای تردید باشد؛ زیرا خلافت، همان جانشینی در تمام شئون نبوت است».

در رویکرد امام خمینی(ره) دانشمند اسلامی که عنوان« عالم عادل» را دارد، می تواند مدیریت و رهبری جامعه را بر عهده گرفته، در اداره امور ولایت داشته باشد. طبیعی است که پس از تشکیل حکومت به دست دانشمند دینی که شرایط لازم برای احراز زهبری و مدیریت جامعه را دارد، دیگر دانشمندان و مردم لازم است که از وی تبعیت کنند تا غبار تشمت و تفرقه بر دامن امت اسلامی ننشیند.